



انترناسیونال ۴۱۴

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۸ مرداد ۱۳۹۰، ۱۹ اوت ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه



انقلاب سوریه و تلاشهای دیپلماتیک غرب

رژیمها به یک نرم دیپلماسی غرب
تبدیل شده است. این یک
صفحه ۳

برائت جوئی و فاصله گیری از
دیکتاتورهای هنوز بر مسند قدرت و
بعد هم اعلام رسمی خواست برکناری
آنها، امری که در دیپلماسی جهانی
بیسابقه بود، به یمن خیزش توده های
مردم و امواج انقلاب علیه این

خود در این جهت رسماً خواهان
برکناری بشار اسد شدند. قبلاً هم
شاهد چنین موضعگیریهای از
جانب دولتهای غربی در قبال
مبارک و قذافی بوده ایم.
در شش ماه اخیر این نوع

حمید تقوایی

دولت آمریکا و بدنبال آن
اروپای واحد بدنبال اعمال
فشارهای اقتصادی و سیاسی
علیه دولت سوریه، در آخرین اقدام



حکومت ضد زن مرگت فرا رسیده،
زنده باد آزادی برابری
حزب
کمونیست کارگری ایران

برنده جنگ بر سر حجاب ما هستیم!

فریاد خواهد زد "آزادی زنان آزادی
جامعه است" و آنرا عملی خواهد کرد.

زنده باد جنبش آزادی زن
مرگ بر جمهوری اسلامی
۲۶ مرداد ۱۳۹۰

زنان ایران سر تسلیم ندارند. هرروز
دارند پرچم این حکومت را زیر پا له
میکند. این جامعه بطور قطع یک
روز که چندان دور نخواهد بود حجاب
و کل سیاست های ضد زن و تفکیک
جنسیتی را دور خواهد انداخت و

بر روشنی تاکید میکند که
میتوانیم کمر این حکومت
وحشی و عقب مانده را از
همینجا بشکنیم. میتوانند باز
هم "زورشان" را بیازمایند. اما

جنگ بر سر حجاب یک
جنگ طبقاتی است. و برنده این
جنگ بطور قطع ما هستیم.
تاریخ خونبار سی ساله جنگ و
کشاکش بر سر حجاب این را

صدای به گل نشستن
چرخهای اقتصاد
کاظم نیکخواه

جوانان و دفاع از حقوق کودک

اینجا بود که این ابتکار جالب بدنبال
حرکتهای اعتراضی اخیر جوانان در
ایران، از جمله جشن آب بازی جوانان
در پارکها و خز و خیال بازی در پارک
صفحه ۶

شهبلا دانشفر
یک رویداد زیبا و شغف آور در
این هفته حرکتی بود که جوانان در
تهران در حمایت از کودکان کار و
خیابان براه انداختند. جالبی قضیه

را بیان میکند. وقتی که دیوید
کامرون نخست وزیر انگلیس
شورشگران لندن (یعنی جوانان
بیکار و بی آینده ای که به عصیان
صفحه ۸

مصطفی صابر
جمهوری اسلامی بریتانیای
کبیر؟! آیا حتی طرح این سوال
اغراق آمیز نیست؟ شاید؛ ولی در
جوهر خود واقعیتی بسیار جدی

داستان اقتصاد جمهوری اسلامی داستان
جالبی شده است. گرایشات راست اپوزیسیون
و مخصوصاً فرقه های راستی که خود را چپ و
کارگری هم مینامند دارند تز و تحلیل ارائه
میدهند که اقتصاد جمهوری اسلامی دارد
رشد میکند و یارانه ها موفقیت آمیز بوده
است و رژیم دارد متعارف میشود، اما در
بالای خود حکومت دارند از رشد منفی و رشد
بیکاری و رشد تورم و نگرانی ها سخن
میگویند. آنچه روشن است صدای خرد شدن
چرخهای اقتصاد جمهوری اسلامی دیگر دارد
آشکارا به گوش میرسد. به حدی که خامنه ای
هم که مدام و به نحو بسیار اغراق شده ای از
موفقیت های جمهوری اسلامی سخن میگوید
این هفته کارنامه اقتصادی را منفی اعلام
کرد و از رشد منفی اقتصاد، از افزایش
بیکاری، افزایش تورم، متحقق نشدن اهداف
"سند برنامه بیست ساله"، عملی نشدن اهداف
طرح یارانه ها و مشکلات دیگر از این دست
سخن گفت. او روز چهارشنبه این هفته در
دیدار با "مدیران اقتصادی" در اشاره به این
مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی گفت
"در اوضاع کنونی منطقه و جهان، هر کشوری
که نتواند از لحاظ اقتصادی، علمی و
زیرساختها از رشد لازم برخوردار شود
بی رحمانه مورد تظاول قرار می گیرد" پیش از
این نیز در مجلس اسلامی رئیس "کمیسسیون
صفحه ۲

در مورد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷

بوست پیوست. طی ماه های مرداد و
شهریور ۶۷ بفرمان خمینی سرکرده
صفحه ۲

بیست و سه سال پیش یکی از
هولناکترین کشتارهای تاریخ معاصر
جهان در زندان های جمهوری اسلامی

فرمان حمله خمینی به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸

صفحه ۷

بازتاب هفته

اخبار و رویدادهای منطقه در هفته ای که گذشت

سوریه، مصر، تونس، لیبی
محمد شکوهی

وحشت مضاعف در سوریه
بهرروز مهرآبادی

سانسور منظومه خسرو و شیرین
یاشار سهندی
صفحات ۵-۴

نفرت انگیز و چندی آور

مینا احدی، صفحه ۱۰

معلمان و اول مهر

شهبلا دانشفر، صفحه ۱۲

صفحات دیگر

مریم نمازی در استرالیا، صفحه ۷

پلاتفرم اتحاد سراسری دانشجویان، صفحه ۹

نوید در سوئد ماند، میترا هم میماند
احمد فاطمی، صفحه ۹

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران
صفحه ۱۱

سید بیوک سیدلر از زندان آزاد شد، صفحه ۳

یادمان جانباختگان تابستان ۶۷ در فرانکفورت
صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صدای به گل نشستن ...

از صفحه ۱



کازم نیکخواه

طرح تحول اقتصادی" که نامی است برای طرح زدن یارانه ها، اعتراف کرد که دولت برای پرداخت یارانه های نقدی به مشکل کسر بودجه برخورد کرده است. این شخص یعنی غلامرضا مصباحی مقدم گفت که تحقق رقم ۵۴ هزار میلیارد تومان که در بودجه بعنوان درآمد قطع یارانه ها اعلام شده غیر ممکن است و بنابراین برای پرداخت یارانه های نقدی به مشکل برخورد کرده ایم. پیش از آن اخبار برخی روزنامه های دولتی حاکی از آن بود که پرداخت یارانه های نقدی قطع میشود. بنیال این خبر محمد رضا فرزین "رئیس طرح تحول اقتصادی" که در واقع طراح اصلی این طرح است فوراً دست پاچه شده و اعلام کرد که این شایعه است و یارانه ها حتی افزایش خواهد یافت. اما مصباحی مقدم این را تکذیب کرد و گفت "دولت هم اکنون برای پرداخت یارانه مردم تا پایان سال با کسری بودجه روبرو است و به دنبال کوچک کردن جامعه هدف و کاهش جمعیت دریافت کنندگان یارانه است و چگونه می تواند با کسری بودجه یارانه مردم را افزایش دهد؟"

روشن است که پشت این اعلامها و تکذیبهها و اظهارها، در عین حال جنگ و کشاکش باندهای بالای حکومت نیز قابل مشاهده است. اما همین کشمکشها نیز یکی از مشکلات جدی اقتصاد جمهوری اسلامی است. زیرا طرح قطع یارانه ها طرحی بود که مبتکرش باند احمدی نژاد بود و او را به سر کار کشیدند که این طرح را پیاده کند. خامنه ای سفت و محکم پشت این طرح و این باند بود. اما اکنون با مغضوب شدن باند احمدی نژاد، طرح یارانه ها نیز که تناقضات ذاتی خود را داشت، به عرصه کشاکش جناحهای حکومت تبدیل شده است و بیش از پیش به معضل و مانع رسیده است. اکنون

جناح مقابل سعی میکند معضلات و تناقضات این طرح را به گردن دولت و باند احمدی نژاد بیندازد. یک جنبه مهمتر اینست که هرکدام از جناحها تلاش میکنند که بخش بیشتری از درآمد حاصل از قطع یارانه ها را به آقا زاده های نزدیک به خود هدایت کند. و این عملاً باعث شده است که این طرح با سرعت بیشتری به گل بنشیند. باند احمدی نژاد که زیر فشار شدیدی از جانب طرفداران خامنه ای است، ولی در عین حال مجری سیاستهای اقتصادی است، تلاش دارد هرطور شده تا مقطع انتخابات مجلس اسلامی، از توقف پرداخت یارانه ها در همین حد کجدار و مریزی که پرداخت میشود، جلوگیری کند تا بتواند آرای بیشتری به خود اختصاص دهد. و برای این منظور یارانه های نقدی "بخش تولید" را عملاً حذف کرده است. اما جناح مقابل که بخش اعظم همان "بخش تولید" کذایی را در دست دارد، صدایش در آمده و سهم خود را میخواهد.

همانگونه که اشاره شد این کشاکش هم به باری بر دوش اقتصاد جمهوری اسلامی تبدیل شده است. مخصوصاً شکست طرح پرسرو صدای "هدفمند کردن یارانه ها" قطعی است. جالب این است که صنوق بین المللی پول هم به مدد باند احمدی نژاد آمده و بر خلاف گزارشهای قبلیش پشت سر هم گزارش و ارزیابی منتشر میکند که اقتصاد جمهوری اسلامی در حال رشد است و یارانه ها هم در آمد کافی داشته و هم به موقع پرداخت میشود و شکاف میان فقیر و غنی را کم کرده است! همه چیز دارد میکوید که این هم مثل تحلیل های تهوع آور چپهای رژیم، یک تقاضای سیاسی است نه ارزیابی اقتصادی. اینها نگرانند با کنار زده شدن باند احمدی نژاد، سیاست ریاضت اقتصادی نیز پسته اش زده شود.

اما شکست و بن بست طرح یارانه ها روشن است که تنها معضل اقتصادی جمهوری اسلامی نیست. تورم و رکود همزمان یک خصوصیت همیشگی آنست که اکنون عمیق تر شده است. همانگونه که ما بارها گفته ایم اقتصاد جمهوری اسلامی از ابتدا اقتصاد ریاضت بوده است. کسی نمیتواند یک طرح ریاضت اقتصادی دوبله را به کارگران و مردمی که فی

الحال دستمزدهایشان زیر خط فقر است و گرانی و بیکاری و فلاکت دارد کمربان را میشکند و به ریاضتی غیر قابل تحمل رانده شده اند، تحمیل کند. همین واقعیت است که باعث شده است ریاضت اقتصادی را با وعده رفاه میدهیم و نقد میدهیم و اوضاع بهتر میشود باید پیاده کنند. و از همینجا تناقض اساسی خود را آشکار میکنند.

دفاع از زندگی

مساله اساسی اینست که بن بست و معضل و عمیق تر شدن بحران اقتصادی جمهوری اسلامی، بار و فشار بیشتری را به دوش کارگران و مردم می اندازد. گرانی و بیکاری را افزایش میدهد و زندگی فقیرانه و فلاکت بار کنونی را مشکل تر و غیر قابل تحمل تر میکند. در میان مردم و کارگران معمولاً دو گرایش در این مقاطع خود را بروز میدهد. یکی گرایش احتیاط بیشتر و رفتن درون خود و تلاش برای بیرون کشیدن گلیم فردی خود از آب است. و دیگری فضای اعتراض و حق خواهی و مبارزه کردن است. اولی محکوم به شکست است. برای خرد نشدن زیر فشار فلاکت و فقر و گرانی و بیکاری بیشتر، روشن است که باید بطور جدی این دومی یعنی اعتراض و مبارزه متحدانه را گسترش داد و تقویت کرد. در شرایط فعلی و با توجه به چشم انداز اقتصادی در ایران قدم فوری برپا داشتن جنبش حق زندگی است. حق غذا و پوشاک و مسکن و زندگی انسانی. این یعنی طرح افزایش فوری و چندین برابر دستمزدها، طرح خواست بیمه بیکاری مکفی به همه بیکاران، و اعتراض به گرانی و بیکاری و بی مسکنی. و برای گسترش این مبارزه ناچار نیستیم از صفر شروع کنیم. فی الحال جنبشی گسترده وجود دارد. تا همینجا نیز اگر حکومت اسلامی طبقه سرمایه دار ناچار میشود دست به عصا پیش برود، از ترس گسترش اعتراضات و اعتصابات و بیرون زدن خشم گسترده کارگران و مردم است. اعتراضات و اعتصابات هرروزه کارگران در اعتراض به اخراجها و نپرداختن دستمزدها و علیه کار پیمانی و امثال اینها بخشی از همین جنبش است که باید و میتواند سرعت به همان خواستههای تعرضی تر مثل افزایش دستمزدها و حق مسکن و بیمه بیکاری مکفی و امثال اینها مجهز

شود. بعلاوه این بسیار مهم است که تلاش کنیم این جنبش سراسری و متحدانه و همزمان پیش رود. یک چیز روشن است تا زمانی که جمهوری اسلامی را سرنگون نکرده ایم بحران

در مورد قتل عام زندانیان ...

رژیم آدمکشان اسلامی، کمیته های مرگ ساختند و هزاران زندانی سیاسی را که سالها در زندان بودند از دم تیغ گذرانند. یاد همه این عزیزان گرامی باد!

جمهوری اسلامی بلافاصله پس از پذیرش آتش بس پیشنهادی سازمان ملل در یکم خرداد ۱۳۶۷ برای خاتمه جنگ هشت ساله ایران و عراق که یک میلیون کشته و معلول و میلیاردها دلار خسارات مالی در پی داشت، و در حالی که با نارضایتی گسترده مردم و شورش های شهری روبرو بود، دست به این اقدام جنایتکارانه زد. هدف این نسل کشی وارد کردن شوک به جامعه بود که در آستانه اعتراضات بزرگ توده ای به سر میبرد.

این قتل عام تنها جنایت رژیم اسلامی نیست اما، از هولناکترین جنایات آن است. کارنامه این حکومت از آغاز تا کنون مملو از جنایات ریز و درشت است. از سازماندهی حمله به تجمعات و دفاتر سازمانهای سیاسی تا حمله هرروزه به زنان بی حجاب و تحمیل آپار تاید جنسی، از حمله به تشکل ها و اعتراضات کارگران تا "انقلاب فرهنگی" و کشتار دانشجویان، از سازماندهی حملات خونین به مردم در خوزستان و ترکمن صحرا تا لشکرکشی به کردستان و قتل عام ها و اعدام های گسترده در آنجا، از اعدام های هزاران نفره در سالهای اول دهه شصت تا ترور صدها مخالف سیاسی در خارج کشور، از قتل های موسوم به زنجیره ای تا تجاوز به زنان و قتل های زنجیره ای زنان در زندان ها و هزاران جنایت دیگر در کارنامه این رژیم ثبت

اقتصادی و بیکاری و گرانی فزاینده، جزئی جدایی ناپذیر از وضعیت این جامعه خواهد بود و باید برای مقابله قاطع با فشارهای آن بطور جدی به میدان آمد.*

از صفحه ۱

جمهوری اسلامی از ابتدا تا امروز حکومت مشتی جانی و آدمکش حرفه ای بوده است و همه جناح های رژیم از اصول گرا تا اصلاح طلب در این جنایات سهم اند. مغضوبین امروز حکومت همان همکاران سابق و برپادارندگان و توجیه کنندگان این عمارت تنگین اند که هنوز هم دوران طلائی خمینی را آرزو میکنند.

مدتهاست مردم حکم سرنگونی کل این دستگاه جنایت را صادر کرده اند. در تمام طول حاکمیت سپاه رژیم، توده های وسیع مردم محروم و ستمدیده در حال جنگ عظیمی علیه حکومت سفاک و اسلامی سرمایه داران بوده اند و یک روز آنرا راحت نگذاشته اند. از کارخانه ها و ادارات، تا دانشگاه ها و مدارس، از کردستان تا تهران و اصفهان و اهواز، از زندان ها تا خیابانها همه جا صحنه مقاومت و مبارزه هرروزه مردم علیه این حکومت بوده است. انقلاب ۸۸ یکی از برآمدهای این مبارزه بود. مبارزه ای که در اشکال مختلف ادامه دارد و بحران رژیم را هرروز عمیقتر و لاعلاج تر میکند. یک حاصل تسلیم ناپذیری مردم، شکاف های عمیقی است که سرپای حکومت را فراگرفته، نیروهایش را فرسوده تر کرده و قدرت سرکوبش را کاهش داده است. دیر نیست روزی که این حکومت جنایتکار بقدرت انقلاب مردم سرنگون شود و تمامی عاملین و آمرین بیش از سه دهه جنایت به محاکمه کشیده شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ مرداد ۱۳۹۰، ۱۷ اوت ۲۰۱۱



انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

انقلاب سوریه و تلاشهای ...

از صفحه ۱

حفظ خود در قدرت جامعه را به خاک و خون بکشند. قذافی صریحا اعلام کرد برای حفظ قدرت خود حاضر است تمام جامعه را به آتش بکشد و بشار اسد نیز عملا همین سیاست را در پیش گرفته است.

این تفاوتها در روند و شکل انکشاف انقلابها در این کشورها - متوقف شدن انقلاب ۸۸ بوسیله جمهوری اسلامی، مداخله نظامی نیروهای ناتو و جنگ داخلی در لیبی، کشتار وسیع در سوریه و غیره- خود را منعکس میکند. اما وجه مشترک همه این تحولات خیزش توده‌ای مردم نه تنها علیه رژیمهای موجود بلکه عملا در مقابل هر دو قطب جنگ تروریستهاست. علیه بلوک بنیادی که از یازده سپتامبر میان تروریسم اسلامی و میلیتاریسم نئو کنسرواتیستی شکل گرفت و با انقلاب تونس ختم آن اعلام شد. واقعیت اینست که خیزش انقلابی در ایران ۸۸ و بدنبال آن در مصر و تونس و لیبی و سوریه کاملا مستقل از کشاکش دو قطب تروریستی و علیرغم اهداف و منافع آنها شکل گرفت. نفس اینکه این انقلابها هم در جوامع متعلق به کمپ غرب شکل میگیرند و هم در کشورهای تحت سلطه اسلاميون نشاندهنده تقابل این جنبشهای انقلابی با هر دو قطب ارتجاعی است که در بیست سال اخیر تمام دنیا و بخصوص خاورمیانه را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده بودند.

اما دیپلماسی اعمال فشار غرب بر سوریه نه در ادامه تقابل دوره قبل میان دو قطب تروریستی بلکه خود نتیجه تبعی انقلاب مردم سوریه است. همانطور که در مورد تونس و مصر نیز چنین بود. در شرایط عادی، در غیاب يك جنبش انقلابی وسیع علیه این رژیمها دولتهای غربی حتی در قبال حکومتها کمپ اسلام سیاسی، نظیر رژیم سوریه و ایران، سیاستی حمایت آمیز، پراگماتیستی و کجدار و مریز با هدف حداکثر رام کردن گام بگام این رژیمها در چارچوب اهداف منطقه ای خود را دنبال میکردند. اما تجربه شش ماهه اخیر بروشنی نشان داد که انقلاب و قدرت خیابان میتواند این سیاست را تغییر دهد. در مصر و تونس به نوعی و در لیبی به شکل دیگری شاهد این تغییر مواضع غرب بوده ایم. و اکنون نوبت

دولت سوریه فرارسیده است.

دیپلماسی غرب و پیامدهای آن هر چه باشد انقلاب سوریه در مقابله مردم، مقابله جهان متمدن، با اسلام سیاسی جایگاه تعیین کننده ای خواهد داشت. همانطور که انقلاب مصر "دیوار برلین" غرب را فروریخت و ضربه ای کاری به کمپ دموکراسی غرب وارد کرد، انقلاب سوریه نیز ضربه تعیین کننده ای در جهت فروپاشی اسلام سیاسی خواهد بود. سرنگونی بشار اسد، حتی اگر بتوانند نظام موجود را از تیررس انقلاب نجات بدهند، کل توازن قوای سیاسی در خاورمیانه را به نفع مردم و خواستهای برحق و انسانی آنها و به ضرر اسلام سیاسی تغییر خواهد داد. به این معنی انقلاب سوریه انقلابی علیه جمهوری اسلامی نیز هست. بیهوده نیست که مترجمین حاکم بر ایران با تمام امکانات و توان خود به دفاع از رژیم بشار اسد برخاسته اند. اما این تلاشها تنها به انزوای بیشتر جمهوری اسلامی در میان مردم منطقه و تزلزل و بی ثباتی بیشترش بعد از سرنگونی بشار اسد منجر خواهد شد. آنچه به انقلاب سوریه در مقایسه با تجربه تونس و مصر و حتی لیبی ویژگی میبخشد بمیدان آمدن توده های وسیع مردم و پیگیری و گسترش اعتراضات و تظاهرات آنان علیرغم شدید ترین سرکوبگرها و کشتارهایی است که بشار اسد براه انداخته است. همین فاکتور مبارزه

قهرمانانه و سر سختانه مردم سوریه است که امروز دولتهای غربی را به صدور حکم "اسد باید برود" ناگزیر ساخته است. و همین عامل است که حتی تقسیم بندی منطقه ای مبارزه و تبدیل انقلاب سوریه به جنگ بین مناطق- نظیر تاکتیکی که قذافی بکار برد- را ناممکن کرده است. انقلاب سوریه الگویی برای انقلاب در کشورهای تحت سلطه اسلام سیاسی نظیر جامعه ایران بدست میدهد. الگویی که در آن تداوم و گسترش و پیگیری و تعمیق انقلاب - روندی که در پنج ماه گذشته در سوریه شاهد آن بودیم- نقش تعیین کننده ای ایفا میکند و بهمین نسبت سیاستهای دولتهای غربی و تلاشهای دیپلماتیک آنها تماما تحت الشعاع فاکتور قدرت مردم قرار میگیرد. به رسمیت نشاخن رژیم سوریه و اعلام خواست کناره گیری بشار اسد بوسیله دولتهای غربی خود نشانه و انعکاسی از قدرت انقلاب مردم سوریه است. در شرایط

اطلاعیه شماره ۱۲۳

سید بیوک سیدلر از زندان آزاد شد

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

بنا به خبر منتشر شده از سوی کمیته حمایت از شاهرخ زمانی سید بیوک سیدلر کارگر شرکت مسافری قطارهای صبا و از فعالین کارگری در شهر تبریز روز شنبه ۲۲ مردادماه از زندان تبریز آزاد گردید. آزادی سید بیوک سیدلر را به وی و خانواده اش و همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگویم.

سید بیوک سیدلر ۲۰ خرداد ماه به جرم دفاع از حقوق کارگر و فعالیت های درخشان اجتماعی اش در رابطه با جوانان، دستگیر شده بود. از جمله فعالیت های او تشکیل انجمنی به نام انجمن سلامت است که این انجمن را او به همراه شاهرخ زمانی، و محمد جراحی حدود ده سال قبل تشکیل دادند و فعالیت های آن عبارت بود از شب شعر، ادبیات و تشکیل تیمهای ورزشی. شاهرخ زمانی و محمد جراحی همچنان در زندان تبریز به سر میبرند. علاوه بر آنها رضا شهابی و ابراهیم مددی از کارگران شرکت واحد همچنان در زنداند. همچنین افشین اسانلو یکی دیگر از کارگران شرکت واحد مدت ۹ ماه است که به صورت بلاتکلیف در بند ۳۵۰ زندان اوین بسر میبرد. او اول آذر سال ۸۹ در

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۷ مرداد ۱۳۹۰، ۱۸ اوت ۲۰۱۱



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفر

bahram.soroush@gmail.com

بهرام سروش

سیاسی ایران نیز این قدرت اعتراضات و مبارزات انقلابی مردم است که مستقیما بر رابطه میان دولتهای غربی با جمهوری اسلامی تاثیر میگذارد. اما مناسبات میان دولتهای غرب با جریانات و حکومتهای اسلامی هر شکلی بخود

بگیرد در این تردیدی نیست که دیکتاتور سوریه بزودی بقدرت انقلاب مردم بیزر کشیده خواهد شد و این نقطه آغاز تعرض تازه ای به نیروهای اسلامی در لبنان و غزه و عراق و افغانستان و بویژه علیه رژیم اسلامی در ایران خواهد بود. *

منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی

۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت

۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری مبرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.

ضامن تحقق اهداف فوق قدرت مردم است. مردمی که با انقلاب خود جمهوری اسلامی را سرنگون کرده اند باید متحد و متشکل به حضور فعال در عرصه سیاست ادامه دهند، هر نیروی مانع تحقق اهداف فوری فوق و کل خواستهای انقلاب را کنار بزنند و اداره امور را خود در دست بگیرند.

سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی به معنی تحقق اهداف زیر است:

۱- خلع ید ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت

۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم

۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

جنبش سرنگونی همچنین بمنظور جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع بند و بست و مهندسی قدرت از بالای سر مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آنرا تعیین کنند برای تحقق اهداف زیر پیگیرانه مبارزه میکنند.

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی

۲- لغو مجازات اعدام.

۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.

یعنی "دزدمونا" از فیلم حذف شده بود و معلوم نبود اتللو بیچاره برای چی دچار جنون میشود! "اتللو بدون دزدمونا" باورش مشکل است اما در این حکومت مرتبط با اجنه ممکن است! بهرحال اکنون نیز تیغ تیز سانسور بران است. یک انتشاراتی در ایران برای هشتمین بار میخواد کتاب "خسرو و شیرین" نظامی گنجوی که ۹ قرن پیش نوشته شده است را چاپ کند برای گرفتن مجوز به "وزارت ارشاد اسلامی" مراجعه میکنند و با کمال حیرت متوجه میشوند که این وزارت خانه تاکید کرده است که چند جای این داستان باید حذف یا تغییر کند تا مجوز چاپ دریافت کنند! این تغییرات از این قرار است که مثلا مصرع "چو مست از جام می نگذاشت باقی" باید حذف گردد؛ ویا "واژه رقص زنان و یا موضوعاتی چون به خلوت رفتن، آغوش، گرفتن دست" باید از این داستان حذف شود.

فقط همین مانده است که حکم دستگیری و اعدام نظامی گنجوی را هم صادر کنند! براستی ما در کجای زمان ایستاده ایم؟..

این اقدامات صرفا یک اقدام "ایدئولوژیک" نیست، شاید این پوسته ظاهری آن باشد اما به واقع حکومت خواسته است و میخواهد با این اقدامات مردم را مرعوب و ساکت سازد. کاری که هیچگاه نتوانسته توفیقی در آن کسب کند. شاید دست هم را گرفتن و آغوش گرفتن و جام می را از کتاب ۹ قرن پیش بتوانند حذف کنند، اما چکار میتوانند با مردمی بکنند که روز به روز بیشتر در خیابان و منظر عمومی زن و مرد دست همدیگر را میگیرند و سر به روی زانوی هم میگذارند و همدیگر را در آغوش میکنند و جام می را به سلامتی هم بالا میروند؟ زندگی را که نمیشود سانسور کرد. مردم نیز شمشیر هایشان را برای این حکومت کشیده اند و این شمشیر بقدری برنده است که هیچ شمشیری در تاریخ به برندگی آن نمی توان یافت. خیلی ساده این مردم میخواهند مانند یک انسان زندگی کنند و همین کافی است تا این حکومت از درد به خود پیچد.*

بازتاب هفته

وحشت مضاعف در سوریه



بهروز مهر آبادی

مشروعیتی ندارد که مامورانش بتوانند حتی مصونیت دیپلماتیک داشته باشند.

در روزهای آخر ماه خرداد اعلام شد که دوران ماموریت احمد موسوی سفیر جمهوری اسلامی در سوریه به پایان رسیده و حبیب طاهریان به عنوان سفیر جدید رژیم در سوریه منصوب شده. اما شواهد نشان می دهد که او هم حاضر نشده پای خود را در مهلکه سوریه بگذارد. بهانه های احمد موسوی برای شرکت در انتخابات و یا گرفتن سمت جدید از طرف احمدی نژاد هم مورد قبول رژیم سوریه قرار نگرفته است. وضعیت رقت بار حجت الاسلام موسوی و همکارانش در سفارت را می توان درک کرد. آنها برای عادی جلوه دادن اوضاع رژیم سوریه و حیثیت حامی سرسخت آن یعنی جمهوری اسلامی، به گروگان گرفته شده اند و تلاش دارند که به هر شکل شده از آن کشور خارج شوند. اما از سوی دیگر خیزش جنبش انقلاب مردم ایران در دو سال گذشته را نیز دیده اند و از بحران عمیق رژیم و نفرت بی پایان مردم از آن مطلعند. وحشت آنها مضاعف است.*

سانسور منظومه خسرو و شیرین

یاشار سهندی

یادش بخیر غلامحسین ساعدی، نمایشنامه ای را نوشت و در خارج از کشور به روی صحنه برد به نام "اتللو در سرزمین عجایب". داستان نمایشنامه این بود که یک گروهی تئاتری میخواستند اتللو شکسپیر را بازی کنند و قرار بود نمایندگان وزارت ارشاد آنها تماشا کنند و در صورت نداشتن "اشکال شرعی" اجازه اجرای آنها بدهند. پر واضح است که هیچ چیز از آن نمایشنامه باقی نماند و سر آخر بازیگر نقش اتللو عصبان کرد و به روی نمایندگان وزارت ارشاد شمشیر کشید. در همین حکومت نسخه روسی فیلم اتللو اکران شد اما یکی از شخصیت های اصلی این نمایشنامه

سایت کلمه در گزارشی از تصمیم سفیر جمهوری اسلامی در سوریه برای خروج از آن کشور را منتشر کرده است. بنا به این گزارش جناب سفیر قرار بوده است همین هفته سوریه را ترک کند که با مخالفت مقامات سوریه روبرو شده و بالاخره متقاعد شد کرده اند که تا آخر ماه رمضان آن جا بماند و بعد تصمیم بگیرد که چه خواهد کرد. از این گزارش می توان وضعیت سفارت جمهوری اسلامی را مجسم کرد. فضای عصبی و پر التهابی که بی شباهت به کربدورهای دولت بشار اسد نیست. کارکنان سفارت، ماموران امنیتی و اعضای سپاه پاسداران، گردانندگان شبکه های ترویستی در سوریه و لبنان و اردوگاههای آموزش های نظامی، دلان، قاچاقچی ها و کار چاق کن ها بسرعت مشغول جمع آوری بار و بنه خود و از بین بردن اسناد و مدارک هستند. سپرده های کلان بانکی و بخشی از ثروت های آیت اله های میلیاردی و سرداران سپاه که در طول سالها به سوریه منتقل شده بود، باید بجای دیگری منتقل شود. اینها بخش هایی از تلاش ها و دغدغه های کارکنان سفارت رژیم در سوریه می تواند باشد. گزارش میگوید که بیشتر آنها منازل خود را تخلیه کرده، خانواده های خود را به ایران بازگردانده و یا به مناطق نزدیک مرز لبنان انتقال داده اند تا امکان گریز داشته باشند. مامورین جمهوری اسلامی خشم و ازجار را در چشمان مردمی که هر روز از مقابل سفارت می گذرند، می بینند. می دانند که دیوارهای بلند، نیروهای تا دندان مسلح در مقابل امواج انقلاب مردم سوریه مقاومتی نمی تواند داشته باشد و جمهوری اسلامی بعنوان حامی سرسخت رژیم بشار اسد، هیچ

منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

اخبار و رویدادهای منطقه در هفته ای که گذشت



محمد شکوهی

سوریه: جنگ تمام عیار و انقلاب سراسری

در سوریه انقلاب و تظاهرات شورش مردم در مقابل تانکها و توپها و لشکر کشی ها ادامه دارد و حکومت بشار اسد را زیر فشار جدی قرار داده است. از اواخر هفته گذشته نیروهای ارتش شهر لاذقیه در ساحل دریای مدیترانه را محاصره و اقدام به گلوله باران این شهر و کشتار مردم کردند. برای مقابله با مردم بی سلاح این شهر از ناوگان جنگی و قایق های توپدار استفاده شد، سلاح هایی که برای جنگ در مقابل ارتش ها مورد استفاده قرار می گیرد. سیاست رژیم اسد محاصره و سرکوب وحشیانه شهرهایی است که کانون های انقلاب در آن تشکیل شده و قدرتمند هستند. این شهر ها مورد محاصره قرار گرفته و بمباران می شوند. سپس نیروهای لباس شخصی و مزدوران حکومتی را وارد شهرها شده و اقدام به دستگیریهای گسترده و انجام اعدام های علنی در مراکز شهر ها می کنند. این سیاست کثیف را رژیم ۵ هفته پیش در شهر درعا به اجرا گذاشت که صد ها نفر از مردم کشته شدند. سه هفته پیش هم شهر حمص را محاصره و با توپ و تانک گلوله باران کرد و بیش از ۱۳۰ نفر را کشت. بعد از هفته ها اعتراض و مقاومت، هفته گذشته "شورای هماهنگی انقلاب سوریه" با صدور اطلاعیه ای چگونگی مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم و سیاستهای مبارزه و گسترش مقاومت مردم را تشریح کرد. این شورا ادعا میکند که سازماندهی مقاومت و مبارزه را در سوریه به عهده دارد. سیاست این شورا ادامه تظاهراتها در شهرهای بزرگ، حمایت از مردم شهرهای محاصره شده، گسترش تظاهراتها به همه شهرها و

برگزاری تجمعات شبانه اعلام شد. در همین رابطه فعالان، سازماندهندگان و رهبران اعتراضات، تشکل های منطقه ای را ایجاد کرده و مبارزات را هدایت و رهبری می کنند. تعدادی از رهبران این شورا بخاطر سرکوبگریهای رژیم و احتمال دستگیری به مناطق مرزی اردن و سوریه پناه برده و از آنجا پیشبرد مبارزات مردم را سازمان می دهند.

در جریان محاصره شهر حمص در هفته گذشته، صدها هزار نفر در شهرهای بزرگ سوریه شبانه به خیابانها آمده و با برپایی اعتراضات گسترده همبستگی خود را با مردم حمص اعلام کرده و خواهان خروج نیروهای سرکوبگر و پایان دادن به محاصره حمص شدند. با محاصره لاذقیه از طرف ارتش و گلوله باران این شهر از زمین و دریا صدها هزار نفر در شهرهای مختلف از جمله در دمشق، حلب، حمص، درعا و دیرالزور به خیابان ها آمدند و با حمایت از مردم لاذقیه جنایات رژیم سوریه را محکوم کردند. آنها با دادن شعارهایی بر علیه بشار اسد خواهان پایان دادن به جنایات ارتش و نیروهای های سرکوبگر شدند. اما رژیم به حملات خود ادامه داد. گلوله باران محلات مختلف لاذقیه تا عصر روز چهارشنبه ۱۷ اوت ادامه داشت که در نتیجه این حملات دست کم ۳۵ نفر، از جمله ۳ کودک جان خود را از دست داده و صدها نفر زخمی شده اند. در این میان فرماندهی نیروهای سرکوبگر ارتش در منطقه لاذقیه به بیمارستانها و درمانگاهها دستور داد که از مداوای زخمی ها خودداری نمایند. بر اساس گزارش های انتشار یافته مزدوران رژیم به بیمارستانهایی که زخمی ها را مخفیانه مداوا می کنند، حمله کرده و تعدادی از زخمی را از تخت های بیمارستانی بیرون آورده و در مراکز شهر ها اعدام کرده اند. کلیه ارتباطات رفت و آمد، خطوط تلفن و اینترنت در این منطقه قطع شده است. در جریان این حملات دهها نفر دستگیر و هزاران نفر از مردم شهر آواره شده اند. هدف بیشتر حملات ارتش سوریه محلات فقیر نشین شهر و اردوگاه های پناهندگان فلسطینی بود. لاذقیه مهمترین بندر سوریه است و بیش از ۶۵۰ هزار نفر

جمعیت دارد.

در آستانه برگزاری اجلاس اضطراری شورای امنیت در روز پنجشنبه ۱۷ مرداد یکی از سخنگويان سازمان ملل در بیانیه ای خبر داد که بشار اسد در مکالمه تلفنی با دبیر کل این سازمان قول داده است که عملیات نظامی بر علیه مردم را متوقف خواهد ساخت. این اقدام بخاطر فشار افکار عمومی مردم جهان و فشارهای بین المللی بوده است. دبیر کل سازمان ملل از بشار اسد خواسته است که اصلاحاتی "باور پذیر" در کشور را در دستور کار خود قرار دهد. اما بعید به نظر که مردم سوریه باوری به حکومت این کشور پیدا کنند. حکومت سوریه از آغاز اعتراضات در ماه مارس تاکنون ۲۱۵۸ را کشته و بیش از ۲۶ هزار نفر را زندانی کرده است. هزاران نفر زخمی شده و هزاران نفر مفقود الاثر هستند. برای مردمی که این چنین پایداری از خود نشان داده اند، هیچ تغییری بجز سرنگونی رژیم نمی تواند "باور پذیر" باشد. به گزارش روزنامه جمهوریت مصر حتی حسنی مبارک هم ادامه حکومت بشار اسد را غیر ممکن دانسته و به او توصیه کرده است که کناره گیری کند.

تونس: بزرگترین تظاهرات ضد حکومت

شش ماه بعد از سرنگونی حکومت بن علی توسط مردم تونس، که آغازگر انقلابات منطقه بود، هفته گذشته این کشور شاهد بزرگترین تظاهراتی ضد حکومتی بعد از سرنگونی حکومت بن علی بود. پوچی وعده های دولت موقت که بسیاری از دست اندرکاران رژیم سابق را بر سرکار نگاه داشته است، برای مردم روشن بود و از همان ابتدا اعتراضات بر علیه آن ادامه داشت. دولت موقت هفته گذشته هزاران پلیس را برای سرکوب جوانان جویای کار در پایتخت این کشور به خیابانها آورد. بعد از سرنگونی حکومت بن علی، کارگران و اتحادیه های کارگری تقریباً تنها نیرویی هستند که در صحنه ادامه مبارزه بود و خواهان ادامه انقلاب و محاکمه سران رژیم سابق می باشند. در اعتراض به سیاستهای دولت موقت، اتحادیه های کارگری و سندیکاهای هفته گذشته فراخوان تظاهرات سراسری را دادند. در پاسخ به این فراخوان صدها هزار نفر در تونس و

پنج شهر دیگر به خیابانها آمدند. این بزرگترین تظاهرات مردم در تونس بعد از سرنگونی بن علی بود که توسط تشکلهای کارگری سازماندهی شده بود. شعار اصلی مردم در این تظاهرات کناره گیری دولت به خاطر کوتاه آمدن در محاکمه سردمداران رژیم سابق و بی کفایتی آن در برآوردن خواسته های مردم، بود. در همین رابطه دبیر سندیکای کارگران تونس می گوید: "انقلاب تا رسیدن به اهداف خود ادامه خواهد داشت، اما انقلاب ما هنوز به نتایج و اهداف خود نرسیده است. انقلاب تنها با فرار رئیس فاسد يك دولت فاسد به پایان نمی رسد. انقلاب علیه تمامیت فساد، ظلم، دیکتاتوری است". دولت موقت که از زمان سرنگونی بن علی قدرت را در دست دارد دوباره نیروهای پلیس را برای سرکوب تظاهرات مردم روانه خیابانها کرد. اتحادیه های کارگری به همراه سایر فعالان انقلاب ناتمام تونس در تدارک سازماندهی دوباره اعتراضات گسترده می باشند. دولت تونس که از این تظاهراتی گسترده غافلگیر شده بود، دوباره وعده و وعیدهایی داد. دولت همچنین اعلام کرده است که انتخابات را ۲۳ اکتبر امسال برگزار خواهد کرد.

مصر: تعویق محاکمه حسنی مبارک

در این هفته دومین دور محاکمه مبارک در دادگاه به پایان رسید. این روز ها این محاکمه جنجالی ترین و بحث بر انگیزترین مسئله در مصر بوده است. در جریان محاکمه هزاران نفر از مردم در برابر اداره پلیس که محل برگزاری دادگاه بود، تجمع کرده و خواهان سرعت بخشیدن به محاکمه مبارک و اعضای دولتش شدند. محاکمه مبارک بصورت زنده از تلویزیون پخش می شد. بعد از يك ساعت قرائت کیفرخواست دوم توسط قاضی، دیکتاتور سرنگون شده مصر، طبق معمول همه اتهامات را رد کرد. اتهامات مبارک کشتار بیش از ۸۰۰ نفر از مردم در جریان انقلاب فوریه امسال می باشد. باندهای رژیم سابق که هنوز در ارگان های نظامی و قضایی نفوذ دارند، از خواست مبارک مبنی بر حضور طنطاوی رئیس شورای نظامی حاکم بر مصر در دادگاه و شهادت به نفع مبارک حمایت می کنند. اما طنطاوی هنوز حاضر نشده که به دادگاه رفته و ادای شهادت نماید. کشمشک

باندهای قدرتمند ارتش و دولت نظامیان و دادگاه ادامه دارد. دستگاه قضایی و بخشی از نظامیان مایلند که محاکمه طول داده و مبارک به پرداخت جریمه نقدی محکوم شود. اما موضوع فقط محاکمه مبارک نیست. در طول چند ماه گذشته دستگیری و محاکمه اعضای دولت سابق مصر يك خواست محوری مردم انقلابی مصر بوده است. بعد از ماهها برگزاری دادگاههای مختلف تعدادی از سران دولت سابق یا تبرئه شده و یا به پرداخت جریمه و چند سال زندان محکوم شده اند. هم دولت نظامیان و هم سیستم قضایی در صدد هستند با محاکمه سمبولیک مبارک، باقیمانده سران دولت مبارک، بویژه فرماندهای نظامی وعاملین و آمرین کشتار مردم در جریان انقلاب فوریه را سالم بدر ببرند. قاضی دادگاه مبارک ادامه محاکمه را به ۵ سپتامبر موکول کرد.

لیبی: عمر حکومت قذافی به شمارش افتاده است

اخبار گزارش شده از لیبی در هفته اخیر تحول و چرخش های جدی ای را به نفع مخالفان قذافی منعکس می کرد. بعد از مدتها جنگ های موضعی، نیروهای مخالف قذافی موفق شدند حملاتی را بر علیه دولت آغاز نمایند و پیشرویهای جدی و تعیین کننده ای به سوی پایتخت لیبی داشته باشند. شهرهای الزاویه، غریان و بریقه کانون اصلی درگیریها بوده است. در آخرین ساعت روز چهارشنبه ۱۷ اوت مخالفان دولت لیبی اعلام کردند که شهر الزاویه که شهر نفتی لیبی می باشد، را محاصره کرده و قسمتهایی از این شهر را در دست گرفته اند. اخباری نیز حاکی از تصرف این شهر توسط نیروهای شورشی بود. متقابلاً دولت قذافی اعلام کرد که هنوز الزاویه را در دست دارد و در صدد عقب راندن نیروهای مخالفان می باشد. در همین حال حملات ناتو بر علیه نیروهای قذافی ادامه دارد. روز چهارشنبه این هفته لئون پانتا رئیس سازمان سیا ادعا کرد که عمر دولت قذافی به سر آمده است. در اقدامی دیگر ناتو محاصره دریایی طرابلس را گسترش داده و این وضعیت شانس مخالفان را برای پیشرویهای بیشتر و زدن ضربه نهایی به رژیم قذافی بیشتر کرده است. *

عکس هایی از جوانان در تهران در حمایت از کودکان کار



بیفایده است. سرنوشت دیکتاتورهای دیگر در منطقه و در شمال آفریقا و وضع نزار یارشان بشار اسد را هم می بینند، یک بن بست کامل، جنگ و جدالشان هم بر سر همین بن بست است. میدانند که میلیونها جوانی را که شادی و رفاه و آزادی میخواهند و هرروز به شکلی و با ابتکاری تازه خواستههای خود را فریاد میزنند را نمیشود دستگیر و زندانی کرد. میدانند که بازنده جنگ بر سر حجاب حکومت است. از جمله بی دلیل نیست که درست در شرایطی که بحث بر سر سفت کردن کمریندها و طرحهای ریاضت اقتصادی شان است، یاد بیمه بیکاری جوانان می افتند و کمیسیون اجتماعی شان با عجله و شتاب چیزی به اسم بیمه بیکاری جوانان را به تصویب میرساند، تا بلکه به قول خودشان مسکنی بر بحران و عصیان جوانان باشد. همه اینها نتیجه قدرت ما مردم است که جانایان اسلامی را چنین به استیصال کشانده است. به این جانایان نباید فرصت داد. باید جوانان در همه محلات، گروههای خود را شکل دهند. گروههایی که ابزارش فیس بوك و میدیای اجتماعی است و محله به محله و در تمام شهرها جوانان و کل جامعه را به اعتراضی متحد و سراسری رهنمون میشود. جوانانی که به اوپاش حزب الله امان نمیدهند که تحت عنوان پیاده کردن طرحهای ارتجاعی حجاب و عفافشان زنان را مورد تعرض قرار دهند و جامعه را ناامن کنند. اجازه نمیدهند که همچون ارتش دشمن به خانه های ما شبیخون بزنند و ماهره ها را جمع کنند و مردم را مورد اهانت و تحقیر و توهین قرار دهند. امروز این جوانان هستند که به میدان آمدن از طریق میدیای اجتماعی خود دارند راه در مقابل کل جامعه میگذارند. جنبشی که به کارگران و به کل جامعه نوید آزادی و برابری میدهد.

خواستههای کل جامعه و انسانیت را نمایندگی کردند. بویژه حرکت اعتراضی این جوانان، فراخوانی بود به کل جامعه که با دفاع از حقوق کودک، و با اعتراض به کار کودک، علیه این بردگی و توحشی که حاکمان سرمایه در جامعه حاکم کرده اند، بپا خیزند. حرکت جوانان در حمایت از کودکان کار، همچون دیگر حرکات اعتراضی دور اخیر آنان در ایران به روشنی نشان داد که جامعه آبستن چه اتفاق شوانگیزی است. تصویری از جامعه ای عصیان زده و به جان آمده که توحش و بردگی نمیخواهد، تبعیض و نابرابری نمیخواهد، از حجاب و جداسازی جنسیتی بیزار است و آزادی و برابری را فریاد میزند. در يك کلام این حرکت جوانان در تهران و اعتراضات اخیرشان در واقع نشان از این دارد که این انقلاب انسانی مردم ایران است که دارد خود را سازمان میدهد و جوانان پرچمدار این صدا هستند. واقعیت شغف آوری که حکایت از این دارد که جوانان ایران همچون جوانان مصر و تونس دارند با فیس بوك و میدیای اجتماعی خود، و با خواستههای روشن و انسانی شان به میدان می آیند و این اتفاق مهمی است که امروز رژیم را به هراس جدی انداخته است. جنگشان بر سر حجاب و تفکیک جنسیتی و جمع کردن ماهره ها و قصاص و دهها موضوع دیگر که موضوع جنگ هر روزه مردم با این رژیم است را ببینید. اخطار های کاربدستان حکومت به یکدیگر از اینکه نظامشان در خطر است را بشنوید، ببینید که چگونه بر سر حجاب بر سر هم میگویند و قوانین قصاصشان را با یاسای چنیگیزی قیاس میکنند. اینها همه قدرت ماست که به این روزشان انداخته ایم. قدرت جنگ هر روزه جوانان با این رژیم و قوانین ارتجاعی اسلامی اش است. می بینیم که دستپاچه شده اند، تهدید و دستگیر میکنند، اما همه اینها

جوانان و دفاع از ...

از صفحه ۱



شهلا دانشفر

پردیسان، جشن هندوانه و جشن موفرفری ها و غیره و غیره بود که صورت گرفت. این حرکتها و تجمعات جوانان، شکل مدرن و انسانی از اعتراض بود که جوانان در آن انسانیت را فریاد زدند. عصیان جوانانی که شادی و داشتن يك زندگی انسانی را حق خود میدانند، دختران و پسران معترض و آزادیخواهی که با این اعتراضات خود دیوارهای آپارتاید جنسی را در هم شکسته و کل این سیستم ضد انسان و پر از تبعیض و توحش را به چالش کشیدند. اعتراضاتی شورانگیز برای يك دنیای بهتر، زنده باد بر این جوانان.

حرکت این هفته جوانان در دفاع از کودکان کار و خیابان، این انسانهای کوچک و عزیزی بود که بخاطر فقر خانواده و بخاطر توحش سرمایه داری چنین راهی خیابان شده و جان و زندگیشان به تیاهی کشیده شده است. حرکتی شورانگیز که یکماه مانده به بازگشایی مدارس به جلو آمد و اعلام داشت که جای کودکان ما در مدرسه است، نه در خیابان و در این تیاهی و فلاکت. حرکتی علیه توحش حاکم و قربانی شدن کودکان ما در جنگال فقر و بیحقوقی. با این ابتکار جالب، جوانان معترض در پارک وی تهران، با دفاع از حقوق کودک، در واقع يك اصل مهم از پلاتفرمشان را برای جامعه ای انسانی اعلام داشتند و آنهم رفاه برای همه کودکان بود. به این صورت جوانان در دفاع از حقوق کودکان کار، به بهترین شکلی

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

فرمان حمله خمینی به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸



نداشتند. مردم کردستان یکپارچه دست به مقاومت زدند. در این مقطع تاریخی حزب دمکرات کردستان هم ناچار شد از خود مقاومت نشان بدهد زیرا همه راه های سازش و معامله به روی او بسته شد. مردم به فراخوان کومله جنگ و مقاومت در مقابل این یورش را آغاز کردند و حزب دمکرات را هم تحت فشار قرار دادند که باید به جبهه مقاومت کمک کند. این مرحله از جنگ بیش از سه ماه طول نکشید که نیروهای رژیم با شکستهای پی در پی ناچار به عقب نشینی و تلفات زیادی شدند.

هنگامیکه رژیم تازه به قدرت رسیده متوجه ضعف نیروهای مسلح خود شد و مقاومت یکپارچه مردم کردستان را دید، ناچاراً تاکتیک مذاکره و آتش بس را قبول کرد.

در آن زمان و بعد از سه ماه جنگ و کشتار به فرمان خمینی اکنون باز هم به فرمان او آتش بس برقرار شد و پیرویه مذاکره شروع شد. نیروی مسلح احزاب به شهرها برگشتند و کنترل شهرهای کردستان را به عهده گرفتند. در همه شهرها مردم شروع به خود سازماندهی کردند. انواع سازمانهای توده ای شکل گرفت. از شوراهای محله تا سندیکاهای کارگری و جمعیت ها و کانونهای مختلف در مکانهای زیست و کار و آموزش گرفته تا سازمانهای سیاسی و مسلح، جنب و جوش بی نظیری آغاز شد. در این زمان نیروهای سیاسی فعال در کردستان هیئتی به اسم "هیئت نمایندگی خلق کرد" را

...فرمان و فتوای خمینی برای سرکوب مردم کردستان و مخالفین در ۲۸ مرداد ۵۸ نقطه عطفی در تاریخ سیاسی ایران محسوب میشود. فاصله به قدرت رسیدن خمینی و اسلام سیاسی تا صدور فرمان جنگ علیه مردم کردستان فقط ۶ ماه بود. در همین شش ماه در جامعه کردستان، انقلاب همچنان سیر پیشروی و تعمیق خود را ادامه میداد. فضای انقلابی و خواست و مطالبات مردم مرتب سیر رو به گسترش و آگاهانه ای را طی میکرد. خمینی و دارو دسته های اسلامی که تصمیم گرفته بودند در قدم اول انقلاب را متوقف و بعداً شکست بدهند، این اوضاع در کردستان را غیر قابل تحمل میدانستند. به همین دلیل خمینی با فرمان صدور حمله به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ لشکر کشتی و سرکوب مخالفین و مردم کردستان را آغاز و با تمام سبعت و بیرحمی ادامه داد. جنگ از روانسر و پاوه آغاز و به تمام کردستان گسترش یافت.

در همان هفته های اول صدها نفر کشته و زخمی و اعدام شدند. از جمله کسانی که در همین روزهای اول به دست خلخالی اعدام شدند بهمن عزتی و دکتر رشوند سرداری همراه هفت نفر دیگر بودند. این ۹ نفر در ساعت ۶ بامداد ۳۰ مرداد ۱۳۵۸ در شهر پاوه تیرباران شدند.

خلخالی با حکم خمینی به کردستان اعزام شد و صدها نفر را بازداشت و بدون محاکمه، بدون وکیل و بدون پیرویه تحقیق و... دسته دسته به

"پشت پرده های انقلاب اسلامی اعترافات حسین بروجردی" به کوشش و ویرایش بهرام چوبینه صفحه ۲۷۷ در مقابل این یورش مغول وار مردم کردستان و جریانات سیاسی بویژه جریانات چپ و کمونیست هیچ راهی بجز مقاومت و فراخوان به مقابله با آن

جریانات اسلامی از کمونیسم و رشد چپ در جامعه نگران بود و از این طریق تلاش میکرد که کمونیسم و چپ جامعه را حاشیه ای کند و خود را نماینده مردم کردستان قلمداد کند. همان کاری که قبلاً مفتی زاده کرده بود و شکستش را همه دیده بودند. دیگری اینکه سنتا کردستان را ملک طلق خود میدانست و هنوز در دوران توهمات جنگ دوم جهانی بسر میبرد که در میان اختلافات آن زمان قدرتهای جهانی، رهبران این حرکت توانسته بودند با کمک ارتش استالین حزبشان را شکل بدهند و حکومتی چند هفته ای در مهاباد به اسم جمهوری خود مختار کردستان اعلام کنند. این حزب متوجه نبود و فکر کنم هنوز متوجه نشده است که دنیای امروز و بالطبع جامعه کردستان امروز با آن زمان بسیار متفاوت است...

تشکیل دادند. این هیئت متشکل بود از نمایندگان از کومله، حزب دمکرات، سازمان چریکهای فدایی خلق و شیخ عزالدین حسینی. اما رژیم اسلامی تاکتیک مذاکره را نه برای مذاکره و عملی کردن مطالبات مردم کردستان بلکه برای این انتخاب کرده بود که بتواند خود را سازمان بدهد و با قدرت چند برابر حمله نهایی را آغاز کند. به همین دلیل هیچ وقت مذاکره جدی با این هیئت آغاز نشد.

در همین اثنا باز هم ما شاهد مذاکرات پنهانی حزب دمکرات و نمایندگان رژیم اسلامی بودیم و باز هم حزب دمکرات در توهم اینکه میتواند برای خود کسب امتیاز کند سرش شیره مالیده شد و باز هم افتضاح به بار آورد و بیش از پیش نفوذش را در میان مردم کردستان از دست داد.

نهایتاً نمایندگان حزب دمکرات دست از پا درازتر هر چقدر به پیام خمینی هم لبیک گفتند دست خالی روانه خانه شدند. این پیرویه تلاش برای مذاکره پنهانی و تک روانه حزب دمکرات دو علت داشت. یکی اینکه حزب دمکرات به همان اندازه خمینی و

Australian Events



مریم نمازی در استرالیا

سایت New Activist به مناسبت سفر مریم نمازی به استرالیا برای سخنرانی علیه قوانین شریعه به شرح مختصری از زندگی نامه و فعالیت های مریم نمازی پرداخته است. از جمله فعالیت های مریم در ترکیه برای پناهندگان، در سودان برای پناهجویان اتیوپیایی، مبارزاتش در کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار و همچنین در اکس مسلم و یک قانون برای همه در انگلستان. مریم نمازی در استرالیا

برنامه های متعدد سخنرانی و مصاحبه هایی با میدیا دارد که در این سایت معرفی شده اند. در شماره بعد انترناسیونال خوانندگان را در جریان جزئیات این سفر مهم مریم نمازی قرار خواهیم داد.

NEW ACTIVIST

محیط های کار قربانی میگیرد

افزایش بی سابقه شمار سوانح در تأسیسات نفتی ایران

پتروشیمی پردیس یک و خارک در سال ۸۹ بود که موجب مرگ ۸ تن از کارکنان صنعت نفت و سوختگی بیش از ۵۰ درصد بیش از سه تن دیگر از کارکنان این مجتمع ها شد. به دو انفجار در پالایشگاه آبادان اشاره می کند و می نویسد: "در پنج ماه نخست سال ۱۳۹۰ پنج حادثه در صنایع نفت و گاز رخ داده است." در ادامه به دروغهای مقامات رژیم می پردازد و می نویسد: "در حالی که منابع غیررسمی خبر کشته شدن ۷ تن در این حادثه را منتشر کردند منبع رسمی تنها مرگ یک تن و زخمی شدن ۲۹ نفر دیگر را تأیید کردند." به دو انفجار در مجتمع پتروشیمی بندرامام و مرگ دو تن از کارکنان این مجتمع بر اثر گازگرفتگی در یکی از سیلوهای

رادیو فارسی صدای آلمان گزارشی از افزایش سوانح کار در تأسیسات نفتی ایران منتشر کرده است. در این گزارش با رجوع به آمار دولتی رژیم اسلامی و اینکه هر ماه یک انفجار مرگبار در این صنعت رخ می دهد، آمده است که تنها در ۱۷ ماه گذشته در سوانح مختلف صنایع نفت ۳۰ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح شده اند. در ادامه می نویسد: "فرسایش قطعات، عدم رعایت استانداردهای ایمنی و ضعف مدیریت در این بخش، حوادث مرگبار مختلفی را در یک سال و ۵ ماه اخیر رقم زدند." در این گزارش با اشاره به شدید شدن ابعاد سوانح کار در این بخش از صنعت آمده است: "مرگبارترین حوات مربوط به آتش سوزی دو مجتمع



جمهوری اسلامی بریتانیای ... از صفحه ۱



مصطفی صابر

علیه بازار و مالکیت خصوصی و حکومت پلیسی برخاسته اند) را "جنایتکار" و "غارتگر" میخوانند، چقدر با خامنه ای و احمدی نژاد و قذافی فاصله دارد که مخالفین و تظاهرکنندگان را "میکرب"، "خس و خاشاک" و "موش صحرائی" میخوانند؟ چقدر بین دولت فخریه بریتانیای کبیر با دولت سوریه و عربستان فاصله هست، وقتی همین "افتخار لیبالیسم" در عرض چند روز ۲۷۰۰ نفر را دستگیر و بنوعی محاکمه صحرائی میکنند، و به جوانانی که در فیسبوک شان فراخوان به شورش کرده اند ۴ سال زندان میدهد، زنی را بخاطر برداشتن یک نوشابه به شش ماه زندان محکوم میکند؟ واقعا فاصله بین قضات "مستقل" بریتانیا با امثال قاضی مرتضوی و قاضی حداد چقدر است؟ بین پلیس انگلیس که در چند سال گذشته بیش از ۳۰۰ نفر را در ایست های بازرسی شهری اش کشته است، عملا در لندن حکومت نظامی برقرار میکند، و در فکر اعمال محدودیت بر اینترنت و میدیای اجتماعی است با چماقداران خامنه ای و لشکر سایبری امام زمان تفاوت چیست؟

هجوم میبرند، وقتی قداست مالکیت خصوصی را زیر سوال میبرند، همه بورژواهای در حال جنگ متحد میشوند و کارگران را "جنایتکار" و "غارتگر" و "خائن" میخوانند و تیرباران میکنند. با این همه، همان درجه آزادیهای نیم بند و آبی در غرب اساسا یک دستاورد جانبی اعتراض و مبارزه دویست ساله طبقه کارگر برای رهایی خود و جامعه است. شرایط بهتری برای مبارزه طبقه ما و همه محرومان و آزادیخواهان در قیاس با شرایط تحت حاکمیت امثال جمهوری اسلامی و حکومت بشار اسد فراهم میکنند. بعلاوه همین اظهارات اولترا راست کامرون تا همینجا موجی از اعتراض در جامعه انگلیس برانگیخته و جواب دندان شکنی از جانب کارگران و مردم آزادیخواه و چپ جامعه دریافت خواهد کرد. اما سوال مهم اینجا این است که چه اتفاقی دارد می افتد که امثال دیوید کامرون به این تلاش های زمخت خامنه ای وار دست میزنند؟

واقعیت این است که شورش های انگلیس تحولات جهانی را از لحاظ عملی و پراتیکی در یک صفحه متفاوت قرار داد. به روشنی به همه دنیا اعلام کرد که یک جنگ طبقاتی عظیم و جهانی شروع شده، یا صحیح تر از عمق به سطح آمده است. دیگر اکنون روشن است که انقلابات مصر و تونس و ایران تنها پیش درآمد تحولاتی عظیم تر بود که بهیچ وجه به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا محدود نیست. وقایع دیگری، نظیر تظاهرات و اعتصابات یونان، اسپانیا، انگلیس (بر علیه بالا رفتن شهریه) فرانسه، اسرائیل و اخیرا در شیلی، نیز همین حقیقت را بیان میکنند. اما چهار روزی که انگلیس را تکان داد دیگر تردیدی باقی نگذاشت که سرمایه داری با یک دوره بحران انقلابی جهانی مواجه شده که منشاء آن بحران اقتصادی عمیق

سرمایه داری جهانی است. بحران انقلابی که صف بردگان مزد و "داغ لعنت خوردگان" را در همه جا در مقابل مستقیم با صف برده داران مدرن، بانکها و سرمایه مالی و دولتهای تا بیخ دندان مسلح آنها قرار میدهد. دیوید کامرون و راست ترین جناح های بورژوازی انگلیس دارند سعی میکنند نماینده شفاف و بی تخفیف بورژوازی در این دوره باشند. دوره ای که باید وسیعترین حملات به معیشت کارگران بشود و در عین حال هرگونه اعتراض و شورش و انقلاب آنها با شدت هرچه تمامتر سرکوب شود.

ضروری است که کارگران و مردم آزاده در این دوره حساس و تعیین کننده از تاریخ جهانی پیروز شوند. باید در همه جا برای کارهای بزرگ آماده شد. باید این سیاره زیبا و ساکنین اش را از شر بازار و مالکیت خصوصی و سرمایه و دولت و پلیس و ارتش اش نجات داد. اما تا آنجا که به موضوع معین این یادداشت برمیگردد لااقل دو نکته فعلا روشن است:

اول اینکه در این جمهوری اسلامیزه کردن دولت و پلیس و قوه قضاییه انگلیس، بازنده کل دم و دستگاه فخریه تحت امر ملکه ویکتوریا خواهد بود. چرا؟ زیرا حتی در همان ایران و مصر و تونس نتوانستند و نمی توانند امثال سیدعلی و بن علی و مبارک را نگاه دارند، انتظار دارند در انگلیس بتوانند؟

نتیجه دوم از این وضعیت این است که هرچه مردم ایران رادیکال تر و زیر و روکننده تر جمهوری اسلامی را از چهار زمین پاک کنند، هرچه الگوی رادیکال تری از آزادی و برابری و جامعه انسانی به مردم جهان ارائه کنند، موقعیت کل ارتجاع و بورژوازی و از جمله دیوید کامرون را تضعیف خواهند کرد.

۱۸ اوت ۲۰۱۱*

حجاب سبیل تحقیر و بی حقوقی کل جامعه است!

اما ما مردم، ما زنان آزاده و مردان آزادیخواه با کل حجاب مخالفیم. حجاب در هر شکل و رنگ و اندازه ای، پرچم نفرت انگیز و خونین ارتجاع اسلامی است و خواست زنان و کل مردم شریف

نزع و کشاکش درون حکومت ضد زن اسلامی حول مساله حجاب بالا گرفته است. یکی از حجاب رنگی و دیگری از حجاب سیاه سخن میگوید. یکی از چادر و یکی از روسری دفاع میکنند.

تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران را تکثیر و وسیعا پخش کنید

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتونید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

سلیمان سیگارچی ۱۲۰۰ دلار
مسعود آذرنوش ۱۲۰۰ دلار

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و

بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!



سیاسی برای ورود به دانشگاه ها. لغو فوری همه احکام اخراج و و بازگرداندن فوری همه دانشجویان و استادان اخراجی

۹- انتخابی شدن همه مدیران و مقامات دانشگاهها توسط دانشجویان و استادان

۱۰- تامین بالاترین استانداردها برای تحصیل و امکانات رفاهی دانشجویان. از قبیل لغو شهریه، تامین خوابگاه مناسب، پرداخت کمک هزینه، تامین دانشگاه و فضای تحصیلی کافی برای همه متقاضیان ورود به دانشگاه و

۵- انحلال فوری همه نیروهای نظامی، شبه نظامی و امنیتی مانند کمیته های انضباطی، حراست، نمایندگی رهبری و غیره در دانشگاه. ممنوعیت اکید ورود پلیس و نیروی انتظامی به دانشگاه.

۶- جدایی دین از آموزش و پرورش و دانشگاه ها.

۷- معرفی آمین و عاملین کشتار و جنایت علیه مردم و دانشجویان و محاکمه آنان در دادگاه های علنی با نظارت بین المللی.

۸- لغو هرگونه گزینش و امتحان ایدئولوژیک مذهبی، عقیدتی و

سازمان جوانان کمونیست
۲۵ مرداد ۱۳۹۰، ۱۵ آگوست ۲۰۱۱

پلاتفرم اتحاد سراسری دانشجویان

مهمترین خواسته های دانشجویان در شرایط کنونی عبارتند از:

۱- آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی.

۲- آزادی های بی قید و شرط سیاسی مانند آزادی بیان، تجمع، تشکل، اعتراض، اعتصاب، و سایر فعالیت های دانشجویی نظیر کلوب های فرهنگی و علمی وغیره.

۳- لغو حجاب اجباری و انتخاب آزادانه پوشش

۴- لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و لغو تفکیک جنسیتی به هر شکل و در هر زمینه.

پلاتفرم اتحاد سراسری دانشجویان

میلیونی مردم، زمان آنست که دانشگاه نیروی خود را بصورت سراسری متحد و متشکل کند و آماده نبردی تعیین کننده علیه جمهوری اسلامی شود.

در پاسخ به این نیاز و برای تعیین بخشیدن به يك جنبش سراسری آزادیخواهانه، مدرن، انسانی و برابری طلبانه در دانشگاه ها و برای مقابله با جمهوری اسلامی و تمامی حامیان ریز و درشتش و همه جریاناتی که ممانعی بر سر راه پیروزی مردم ایران هستند، سند حاضر ارائه میشود. سازمان جوانان کمونیست خود را به پیشبرد مبارزه حول خواسته های زیر متعهد میداند و از همه دانشجویان، تشکلهای، نهادها و انجمنهای دانشجویی و جوانان در داخل و خارج ایران و همچنین همه سازمانها و احزاب سرنگونی طلب دعوت میکند تا برای ایجاد يك حرکت سراسری در دانشگاه ها این پلاتفرم را در دستور خود قرار دهند.

دانشگاه همواره، چه در رژیم شاه و چه در جمهوری اسلامی، سنگر آزادیخواهی مردم ایران بوده است و در برابر ارتجاع حاکم پرچم آزادی و برابری را بر افراشته نگاه داشته است. رژیم اسلامی با وحشیانه ترین حملات به دانشگاه ها و خوابگاه ها و ضرب و شتم و قتل دانشجویان و زندان کردن و اخراج هزاران نفر از آنان و با تشکیل انواع نیروهای انتظامی و جاسوسی، اعمال انواع تبعیضات اسلامی و آپارتاید جنسی و حتی با اعلام جرم علیه علوم انسانی و پاکسازی استناداتی که کوچکترین ناهمخوانی با حکومت داشتند، کوشیده است تا این سنگر تسخیر ناپذیر آزادی و برابری را مگر خاموش نگهدارد. اما در آستانه هر سال جدید تحصیلی و بازگشایی دانشگاه ها میتوان نگرانی و وحشت را در چهره سران جمهوری اسلامی دید. در اوضاع وخیم اقتصادی کنونی و درهم ریختگی جمهوری اسلامی و نارضیاتی فزاینده

نوید در سوئد ماند، میترا هم میماند



احمد فاطمی

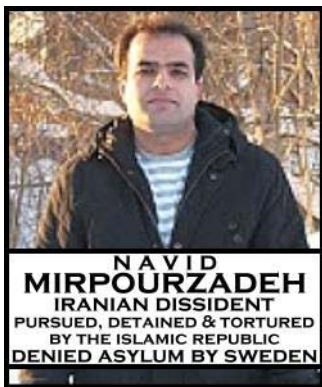
امروز ۱۸ اوت ۲۰۱۱ ساعت ۵ بعد از ظهر پیمان نجفی پیام کوتاهی در صفحه فیس بوک نوید را دیپورت نکند" پست کرد. پیمان نوشته بود خبر خوش، ما موفق شدیم! فضای شادی که صفحه نوید را پر کرد قابل وصف نیست... تصور کنید که در فیس بوک بخواهید آواز بخوانید و برقصد! نوید میپورزاده را قرار بود دولت سوئد فردا ۱۹ اوت به ایران دیپورت کند. نوید را که جمهوری اسلامی پیش تر دستگیر، شکنجه و زندانی کرده بود. نوید را که از لحظه ای که پا در خاک سوئد گذاشته بود يك لحظه از مبارزه بر علیه رژیم اسلامی غافل نبود. دولت سوئد در ماه های گذشته

تلاش زیادی کرده است که پناهجویان ایرانی را به رژیم اسلامی تحویل بدهد. آخرین آنها پیمان نجفی بود که دیپورتش در آخرین لحظه متوقف شد. پیش از او ساسان و پیشتر مرضیه و مهدی و... میترا کهرم نفر بعدی است. میترا را در حالی دستگیر کردند که در حمایت از نوید در مقابل اداره مهاجرت سوئد در تظاهراتی شرکت کرده بود.

این اقدام پلیس سوئد شرم آور است. ما این جا همانگونه که در روز دستگیری نوید طی اطلاعیه ای به آقای بیلستروم وزیر مهاجرت دولت دست راستی سوئد قول دادیم که به بورکراسی ضد انسانیتش اجازه نخواهیم داد که نوید را به آدمکشان اسلامی تحویل دهد، یک بار دیگر قول میدهیم که میترا هم در سوئد خواهد ماند. ما این را به اعتبار هزاران فعال سیاسی نظیر پروانه در کانادا، یان کریستیانو در انگلیس، به اعتبار شب بیداریهای عبدالله اسدی و روز کارهای طولانی اندیشه علیشاهی از فدراسیون سراسری پناهندگان، و به اعتبار کارایی های ماریا از میشن فری ایران، سیسل

نروژی، آرین میرذوالفقاری خستگی ناپذیر تا جوان میشل آمریکایی و صدها و هزاران انسان شریف دیگر که از پناهجویان گریخته از دیکتاتوری ها دفاع میکنند، قول می دهیم. و صد البته به اعتبار فعالین سوئدی که اینک به میدان آمده اند تا در کنار پناهجویان و فعالین سیاسی مدافع حقوق انسانی پناهجویان از ارزش های انسانی جامعه سوئد، از خود جامعه سوئد در مقابل تهاجم وحشیانه راست و راست افراطی دفاع کنند. این خط و این نشان، میترا هم در سوئد میماند.

ما به نوید تبریک میگویم. موفقیت نوید در تحمیل حق قانونی و انسانی خودش به دولت سوئد موفقیت همه ما هم هست. موفقیت میترا هم هست. موفقیت ماست چرا که با هر پناهجویی که حکم دیپورتش منتفی میگردد، سازماندهی فعالیت برای نجات نفر بعدی سهل تر میشود. فعالین بیشتری پا به عرصه میگذارند، اعتماد به نفسها بیشتر میشوند، افکار عمومی در جامعه شکل



میکیرند و فشار از پایین محسوس تر میشود و زمینه مقابله اساسی و تعیین کننده با سیاست های ضد پناهجویی در آنجا که سیاستها شکل میگیرند، در پارلمان سوئد فراهم تر میشود. این آن تصویر بزرگی است که موفقیت نوید، مثل ساسان، و مرضیه بشارت میدهند. موفقیت نوید موفقیت میترا هم است.*



نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

احمدی نژاد و لاریجانی و همه کفتاران ریز و درشت حکومت اسلامی گفت، دیر نیست روزی که مردم به جان آمده و معترض ایران تکلیف شما را روشن کنند و نقطه پایانی بر اعدام و جنایت و قتل و بیرحمی بگذارند. روز سرنگونی حکومت اسلامی و دادگاهی شدن و در قفس کردن درندگان اسلامی نزدیک است.*

مراسم یادمان جانباختگان تابستان ۶۷ در فرانکفورت اسامی ۵۰۰۰ نفر از جانباختگان با شاخه های رز



برگزار کننده: کمیته برگزاری یادمان جانباختگان دهه شصت و
قتل عام تابستان ۶۷

میکنند!!! این داستان تهوع آور حکومتی است که اسم دارالمجانین یا دار الوحوش پرازنده آنست. حکومتی که خود قانون کذایی و ارتجاعی قصاص و اعدام را با زور سرکوب و خفقان و اسلحه بر سر مردم سوار کرده، در مقابل جنایت و قتل در جامعه و صد البته در مقابل فعالیت سیاسی و انتقاد از حکومت، دستگاه مخوف دار و اعدام را برپا کرده و روزانه تعداد زیادی را به اعدام محکوم میکند و در عین حال برای خاک پاشیدن به چشم مردم و پیدا کردن شریک جرم برای جنایات وحشیانه اش، پای خانواده های داغدار را نیز به میان میکشد. امروز دیگر برای همه روشن است که مکانیزم اعدام، ایجاد وحشت در جامعه و زهر چشم گرفتن از مردم است. از یکسو قانون کذایی و قرون وسطایی اعدام را دارند و از سوی دیگر پای خانواده مقتول رانیز به میان میکشند و مادر و یا فرزند مقتول صندلی را از زیر پای اعدامیان میکشد ویدین صورت قباح و شناعقت قتل عمد دولتی را می شکنند و آدم کشی را عادی میکنند. عصمت الله جابری کسی است که از سال ۸۴ وارد این عرصه شد.

امروز او با خونسردی و وقاحت از آخرین لحظات زندگی شهلا جاهد حرف میزند: شهلا ابتدا فکر میکند اعدام او فیلم است اما وقتی خانواده لاله را دید که به زندان آمده اند، زبانش بند آمد، حتی قادر نبود نمازش را بخواند او را به سختی پای چوبه دار بردیم. او از آخرین لحظات زندگی بسیاری از صدها نفری که خودش فرمان قتل آنها را داده و مقدمات اعدام آنها را فراهم کرده صحبت میکند و شرم نمیکنند که بگوید دستهایش خونین است و خود اذعان میکند که وقتی تب میکند کابوس این اعدامها را می بیند. خواب و دوره بیمارشان نیست. کابوس در دنیای واقعی دارد اتفاق می افتد. مردم ایران این حکومت را قبول ندارند، مردم از دستگاه جنایتی به اسم حکومت اسلامی بیزارند و لحظه شماری میکنند که تکلیف این دستگاه و بویژه تکلیف سران و عاملین و آمرین جنایات سی و سه ساله را روشن کنند. کابوس عصمت الله جابری اساسا از اینجا ناشی میشود.

آنچه که این جانی و این گرگ



دیگری نیز اجرا کرده اید، میگوید بجز اعدام تا کنون سه حکم قطع ید هم اجرا کرده ام، در یکی از پرونده ها دو سارق افغانستانی را قطع ید کردم، در پرونده دیگری يك سارق دیگر را بعد از بارها عفو قطع ید کردم...

اینها خاطرات شیرین عصمت الله جابری است. قاضی پرونده چند صد نفر محکوم به اعدام. اسمش برای من به عنوان يك فعال علیه اعدام و کسی که روزانه با پرونده های زیادی سر و کار دارم، با جنایت و وقاحت و بیرحمی و ذالت عجیب است.

اسم عصمت الله جابری را همراه اسم شهلا جاهد، بهنود شجاعی و دهها و دهها فعال سیاسی و دیگر محکومین به اعدام شنیده ام. او قاتل حداقل ۲۰۰ نفر است. و در مراسم شنیع اعدام این دویست نفر حاضر بوده و از اعدام آنها دفاع کرده است. بارها عکس اعدامها در ملا عام را دیده ام که این قاضی تشنه خون را نشان میدهد که با افتخار و سربلندی، نظاره گر جان کندن انسانها است. او کسی است که تا آخرین لحظه برای اجرای این جنایات دوندگی کرده و بویژه برای اجرای احکام اعدام افراد سرشناس و پرونده هایی که در جامعه و در سطح بین المللی مطرح شده و اعتراضات گسترده ای به این احکام اعدام شده، عصمت الله جابری عرق ریخته و فعالیت کرده است. او در مصاحبه با روزنامه مهر البته بیشتر مانع علت اعدام بهنود شجاعی را به فعالیتهايش افشاگرانه و علنی محمد مصطفایی وکیل بهنود ربط میدهد و میخواهد از این طریق در مقابل اعتراض و مبارزه و علنی کردن کیس محکومین به اعدام و فعالیتهايش سازمانهای علیه اعدام مانع ایجاد کند. گویی مردم نمیدانند که اینها برای کشتار کردن بهانه و دلیل لازم ندارند و هزاران نفر توسط همین جلادان کثیف آدم خوار اعدام شدند و کسی اسمشان را هم نشنید. جابری میگوید که اول متهمین را طبق قانون کذایی خودشان به اعدام محکوم میکند و سپس برای گرفتن رضایت از خانواده مقتولین دوندگی

نفرت انگیز و چندش آور آدمخوارانی به اسم حکومت و جنایتکارانی که از آدمکشی و قطع دست و پا لذت میبرند

مینا احدی

حرفهای چندش آور یک جلاد حکومت اسلامی به اسم عصمت الله جابری "شهلا ابتدا فکر میکرد اعدام او فیلم است اما وقتی خانواده لاله را دید که به زندان آمده اند، زبانش بند آمد، حتی قادر نبود نمازش را بخواند او را به سختی پای چوبه دار بردیم".

"بجز اعدام تا کنون سه حکم قطع ید هم اجرا کرده ام، در یکی از پرونده ها دو سارق افغانستانی را قطع ید کردم، در پرونده دیگری يك سارق دیگر را بعد از بارها عفو قطع ید کردم..."

اینها بخشهایی از مصاحبه عصمت الله جابری با روزنامه مهر است. مصاحبه با "مرد اعدام" کسی که در طول ۶ سال قضاوت حداقل ۳۵۰ نفر را به اعدام محکوم کرده است. از او در روزنامه مهر میپرسند، بهترین خاطره شیرینی که از مراسم اعدامها داری چه بود و با وقاحت میگوید: خاطرات شیرین نیز از اعدام دارم... وقتی میخواستیم قاتل جوانی را اعدام کنیم، هنگامی که طناب دور گردش بود، مرا صدا کرد و خواست که پابندش را باز کنیم، چرا که او را اذیت میکرد... هنگام اعدام کردن يك قاتل دیگر که جسد قربانی خود را سوزانده بود، هنگام مراسم اعدام وقتی از او خواستیم آخرین خواسته اش را بگوید دو نخ سیگار خواست. همچنین در پرونده مثله کردن جسد خواهر و برادری در ورامین قاتل برای رضایت گرفتن روی پای پدر مقتولان افتاده بود اما پدر مقتول مدام فریاد میکرد، وقتی علت را پرسیدیم مدعی شد پاهایش سوخته است و قاتل روی آنها افتاده است!!!

لا بد مصاحبه شونده انتظار دارد، همه در اینجا قاه قاه بخندند، چه صحنه جالبی! يك نفر که قرار است کشته شود، بعنوان آخرین خواست دو نخ سیگار میخواهد. البته ناگفته نماند که حتی همین آخرین خواست را نیز این جانین اجرا نمیکنند. از این جلاد میپرسند، بجز اعدام آیا حکم

تصاویری از حضور فعالین نهاد "ایران سولیداریتی" در تورنتو در افشای چهره کره جمهوری اسلامی و جلب همبستگی مردم شریف کانادا از مبارزات مردم ایران



نگیرند از شنبه اعتراض خود را از سر خواهیم گرفت.

همچنین شنبه ۲۲ مرداد بیش از ۵۰ نفر از این کارگران در مقابل استانداری فارس در شیراز تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران شعار میدادند "عدالت عدالت استاندار عدالت". کارگران گفتند که ۱۸ ماه است به ما حقوقی پرداخت نشده و به رییس جمهور و خامنه‌ای نامه نوشتیم ولی جوابی نگرفتیم و تا حقوق خودمان را نگیریم به تجمع اعتراضی ادامه میدهم.

اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه معلمان

برخی از معلمان و آموزگاران حق التدریسی در یک اعتراض به خیرگزاری حکومتی مهر گفته‌اند، علیرغم وعده‌های داده شده به آنان توسط مقامات آموزش و پرورش، دستکم ۶ ماه حقوق و اضافه کاری شماری از معلمان شاغل در مناطق مختلف آموزش و پرورش تهران تاکنون پرداخت نشده است.

تجمع معلمان جلوی مجلس اسلامی

جمعی از معلمان شرکتی آموزش و پرورش صبح روز یکشنبه ۲۳ مرداد در اعتراض به نحوه اعلام نتیجه آزمون استخدامی آموزش و پرورش و عدم جذب نیروهای شرکتی در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. نیروهای شرکتی وزارت آموزش و پرورش برای چندمین بار است که مقابل مجلس و در اعتراض به عدم جذب خود تجمع می‌کنند.

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

برابر گذشته کارکنند اما حقوق و دستمزدهای کارگران نه تنها اضافه نشده بلکه برخی از مزایا و کمکهایی گذشته قطع گردید که از جمله آنها پول غذا و پول ایاب و ذهاب و بسته شدن رستوران و... را میتوان نام برد. میگویند که در جامعه‌ای که خط فقر بیش از سه برابر دستمزد کارگر هست ناگفته پیداست که کارگران نساجی بروجرد چه فشاری را تحمل میکنند بخصوص که دو برابر استاندارد شناخته شده کار میکنند که همین بیانگر یک بی عدالتی میباشد.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان

بیش از ۲۴۰ تن از کارگران شرکت لوله سازی خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت بیش از ۲۵ ماه دستمزدهای معوقه خود روز ۱۹ مرداد مقابل شرکت تجمع اعتراضی کردند.

تجمع مجدد کارگران مجتمع گوشت فارس

روز یکشنبه ۱۶ مرداد حدود ۷۰ نفر از کارگران مجتمع گوشت فارس که از مردودت به شیراز آمده بودند و از ساعت ۹ تا ۱ و نیم مقابل استانداری فارس تجمع اعتراضی داشتند نهایتاً با وعده استاندار جدید فارس برای حل مشکل کارگران موقتاً خاتمه دادند و قرار شد که استاندار فارس روز ۲۰ مرداد با نمایندگان کارگران در این خصوص مذاکره کند. اما کارگران گفتند اگر نتیجه مد نظر را

اعتراض موفق کارگران شرکت سرو مشرق زمین

پس از ۱۰ روز اعتراض کارگران شرکت سرو مشرق زمین به اخراج ۱۰ تن از همکاران خود در این شرکت، نهایتاً کارفرما مجبور به قبول بازگشت بکار ۶ تن از کارگران اخراجی شد. کارفرمای این شرکت همچنین وعده داد دستمزد تیرماه همه کارگران اخراجی و شاغل و دستمزد چند روزی که کارگران از کار اخراج شده بودند را نیز محاسبه و پرداخت نماید.

تجمع اعتراضی کارگران فولاد میند

کارگران فولاد میند با تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان خواهان پرداخت حقوق معوقه خود شدند. این کارخانه از حدود ۱۰ ماه پیش کارگران آن هیچ حقوق و مزایایی نگرفتند. کارگران تجمع کننده سه روز متوالی است که به نمایندگی از ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت فولاد میند تجمع می‌کنند.

اعتراض کارگران نساجی بروجرد به پایین بودن دستمزدها

بیش از ۷۰۰ تن از کارگران نساجی بروجرد نسبت به سطح دستمزدها و حقوقی که میگیرند معترض و ناراضی هستند. یکی از کارگران میگوید: بیش از ۱۳۰۰ کارگر در این نساجی کار میکنند ۶۰۰ نفر آن در سالهای اخیر اخراج شدند و عملاً حجم کار موجود دو برابر کارگران موجود است. لذا کارگران باید دو

شانزده نفر از فعالین سیاسی کردستان در خطر اجرای حکم اعدام هستند

جمهوری اسلامی ایران علی افشاری و محمد عبداللهی فعالین سیاسی را به اعدام محکوم کرد.

حکم اعدام رشید آخکندی مجدداً تأیید شد.

بشدت نگران وضعیت او هستند و خواهان اعتراض به این حکم هستند. با این احکام جدید تعداد ۱۶ نفر از فعالین سیاسی کردستان در زندانهای حکومت اسلامی جانشان در خطر جدی است. زینب جلالیان، حبیب لطیفی، حبیب گلپری پور، رشید حسینی، عزیز محمدزاده، شیرکو معارفی، مصطفی سلیمی، انور رستمی، سید جمال محمدی، سید سامی آخکندی، عبدالله سروریان، زانیار مرادی، لقمان مرادی، رشید آخکندی، علی

این روزها خبر از محکوم شدن دو فعال سیاسی از کردستان به اعدام در رسانه‌ها مطرح شد. علی افشاری و محمد عبداللهی به اتهام "محرابه با خدا" و اقدام علیه امنیت ملی در ارومیه به اعدام محکوم شدند. همچنین در روز ۱ اوت ۲۰۱۱ حکم اعدام رشید آخکندی زندانی سیاسی که یکسال قبل در سقز به اعدام محکوم شده بود، در دادگاه تجدید نظر استان مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و این حکم در روز اول اوت تأیید شد. خانواده رشید آخکندی

معلمان و اول مهر...

از صفحه ۱۲

کنیم که اکنون که به شروع سال تحصیلی نزدیک میشویم، متحد و یک پارچه اعلام کنیم که معلمان زندانی از جمله رسول بداعی که ۶ سال حکم زندان دارد و در همین هفته جانینان اسلامی حکم اخراجش را نیز اعلام داشتند و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. باید خواستار لغو حکم اعدام عبدالرضا قنبری شد که جانش در خطر فوری است. جمهوری اسلامی که با بازگشایی مدارس خود را در مقابل خطر گردآمدن معلمان و از سر گرفتن مبارزات آنان میبیند تهدیداتش را بر روی معلمان معترض شروع کرده است. از جمله در خبرهای همین هفته شاهد تبعید حامد دنیایی از معلمان شهر سقز به ۵ سال تبعید به شهر کرمان و کامل فتاحی به ۲ سال تبعید به شهر یاسوج بودیم. در مقابل این احکام جنایتکارانه جمهوری اسلامی بایستیم و آنرا محکوم کنیم. فشار بیابیم و خواهان لغو این احکام شویم و متوقف شدن فشار و تهدید بر روی معلمان معترض شویم. به این ترتیب قدرتمند و با خواستهای روشن به استقبال اول مه و پیگیری خواستها و مطالباتمان برویم. *

افشاری و محمد عبداللهی. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، محکومیت به اعدام علی افشاری و محمد عبداللهی و زمینه سازی جانینان حکم بر ایران برای اجرای حکم اعدام رشید آخکندی و دیگر فعالین سیاسی را بشدت محکوم میکند و از همگان دعوت میکند به این جنایات حکومت اسلامی اعتراض کنند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۷ اوت ۲۰۱۱، ۲۶ مرداد ۹۰



زنان حجاب را با هیچ فشاری نخواهند پذیرفت!

نزاع و کشاکش درون جمهوری اسلامی بر سر حجاب بالا گرفته است. روزنامه ایران متعلق به طرفداران احمدی نژاد از چادر بعنوان بدترین نوع پوشش حرف زده و به رنگ سیاه حمله کرده است و بر ناصرالدین شاه بعنوان عامل حجاب سیاه لعنت فرستاده است!

چادر و حجاب از اولین روز جمهوری اسلامی بیرق آن بوده است. از هفته های قبل از قیام هرجا که دستجات اسلامی زورشان رسید حمله به زنان بی حجاب را شروع کردند و با سر کار آمدن جمهوری اسلامی کارشان را با اسیدپاشی به روی زنان بی حجاب و با شعار یا روسری یا توسری و اخراج و دستگیری و شلاق و اعدام با اتکا به قانون و نیروی سرکوب و تبلیغات مسموم کننده علیه زنان ادامه دادند. اما مقاومت و مبارزه زنان نیز یک روز تعطیل نشد. در این سالها میلیون ها نفر بخاطر پذیرفتن حجاب اسلامی تذکر گرفتند، جریمه و زندانی شدند،

اند کارشان را نکرده اند و تنها ۳۷ درصد از زنان در تهران حجاب اسلامی را (آنهم بخاطر ترس از عواقب آن) رعایت میکنند. دیگری میگوید طرح تفکیک جنسیتی ۲۴ سال است روی زمین مانده است و آمار دیگری میگوید هشتاد درصد دختران دانش آموز، دوست پسر دارند یعنی حجاب و کل مقررات اسلامی را تماماً لگدمال کرده اند. ۳۲ سال تمام امکانات سرکوب و تبلیغ حکومت برای تحمیل حجاب بکار افتاد و امروز همه دار و دسته های حکومت، هر کدام به نوعی به شکست خود اعتراف میکنند.

جنگ بر سر حجاب یک جنگ طبقاتی است. بیحقوقی زنان را لازم دارند تا بساط استعمار و چپاول و فقر و محرومیت را سر پا نگاهدارند. حجاب اسلامی در هر شکل و رنگ و اندازه ای، پرچم نفرت انگیز و خونین ارتجاع اسلامی است. حکومت اسلامی با حجاب آمد و با برداشتن حجاب عمر نکبت بارش به پایان خواهد رسید.

استفاده از دستمزد و غیره محرومند و هر وقت هم که بخواهند جوابشان میکنند. طبعاً این موضوع مستقیماً فشار خود را بر شرایط کار معلمان رسمی و نا امنی شغلی آنان نیز گذاشته است. از همین رو در این چند ساله یک عرصه دائمی مبارزات معلمان، مبارزه علیه این شرایط برده وار کار و کوتاه شدن دست پیمانکاران و استخدام رسمی معلمان حق التدریس بوده است. بنا بر خبر های منتشر شده از سوی خود دولت ۴۰ هزار تن از معلمان مستقیماً با چنین معضلی روبرویند.

معلمان در ارتباط به میلیونها دانش آموز و خانواده هایشان قرار دارند و قشر محبوبی در جامعه هستند. خصوصاً اعتراضات آنها در دهه اخیر و جایگاهی که در فضای سیاسی جامعه داشته اند، حقانیت بیشتر به اعتراضات و مبارزاتشان داده است. و همواره مورد حمایت مردم بوده اند. اکنون که فضای اعتراض در جامعه بالاست و با توجه به نزدیک شدن به شروع سال تحصیلی بهترین فرصت است که معلمان به تدارک مبارزات خود و پیگیری خواستهها و مطالباتشان بپردازند و این وظیفه معلمان چپ و رادیکال است که دست بکار سازمان

تاکنون نشان داده اند، نخواهند پذیرفت و اکنون که دشمنان خود را به جان هم انداخته اند مصمم تر و امیدوارتر به میدان خواهند آمد.

وقت آن است که با تمام توان به میدان بیاییم و متحد و یکپارچه بساط حجاب اسلامی و جداسازی ها را در هم شکنیم.

زنده باد جنبش آزادی زن
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت
کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ مرداد ۱۳۹۰، ۱۷ اوت ۲۰۱۱

دادن مبارزات متحد معلمان حول خواستههایشان کردند. از هم اکنون خواستههای معلمان را بصورت بیانیه و قطعنامه روشن و شفاف اعلام کنند و در سطح جامعه انعکاس دهند. بگویند که ما خواهان حقوقی مکفی هستیم و دیگر به این گرانی روز افزون و خط فقر تن نمیدهیم و همانطور که کارگران در طومارهایشان اعلام کرده اند، ما نیز اعلام میکنیم که دستمزد ما معلمان در شرایط فعلی نباید از دو میلیون تومان در ماه کمتر باشد. بار دیگر خواستههای خود از جمله ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن، بهداشت و درمان رایگان را طرح کنیم. معلمان لازم است بطور متحدانه اعلام

صفحه ۱۱

معلمان و اول مهر

شهلا دانشفر

حق مسلم ماست"، خواست کل جامعه را اعلام داشتند و علیه تبعیض پیا خاستند. اما تا کنون نه تنها به خواستههایشان جوابی داده نشده، بلکه هر روز وضع معلمان بدتر و زندگی و معیشتشان بیشتر و بیشتر به فقر و فلاکت کشیده شده است. نکته قابل توجه اینکه یک معضل بخش وسیعی از معلمان نیز همچون دیگر کارگران، استخدام بصورت قرار دادی و از طریق واسطه ها و پیمانی است. همان موضوعی که هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر در اعتراض به آن در فروردین ماه امسال دست از کار کشیدند و جمهوری اسلامی و مدیریت برای پاسخگویی به خواست کارگران تا آخر شهریور برای خود طلب فرصت کرده اند. معلمان پیمانی در آموزش و پرورش با همان شدت و فشار معلمان رسمی کار میکنند، سالها سابقه خدمت دارند، اما هنوز بصورت قرار دادی و موقت و پیمانی به کار اشتغال دارند. با معضل دستمزدهای پرداخت نشده روبرو میشوند و غیره و از هر گونه حق و حقوقی چون حقوق در ایام مرخصی، استفاده از تعطیلات با

باز هم معلمان و اعتراضاتشان، باز هم تهدیدات رژیم و دستگیری معلمان. در هفته ای که گذشت معلمان حق التدریسی بار دیگر صدای اعتراضشان را بخاطر عدم پرداخت ۶ ماه دستمزدشان بلند کرده و خبر آن از موضوعات رسانه های دولتی بود. همچنین جمعی از معلمان که بصورت پیمانی به کار اشتغال دارند صبح روز ۲۳ مرداد در اعتراض به نحوه اعلام نتیجه آزمون استخدامی آموزش و پرورش و عدم استخدامشان به کار، در مقابل ساختمان مجلس اسلامی تجمع کردند. همین دو خبر به روشنی وضعیت نابسامان معلمان این بخش حقوق بگیر جامعه را به روشنی بیان میکند. معلمان سالهاست که نسبت به حقوق های زیر خط فقر و تفتیش عقاید حاکم بر مدارس و اعمال تبعیض جنسیتی و بیحقوقی مطلق خود معترضند. در این رابطه بارها و بارها تجمع و اعتصاب بر پا داشته اند که نمونه چشمگیرش سال ۸۵ بود که معلمان با شعار "معیشت، منزلت،

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!